

# ● شهید ۱۳ ساله اصناف ●

شهید محمدرضا محبوبی فر

● مولف : غلامحسین سخاک - ناصر آیرمی ●

www.ketab.ir

نام کتاب : شهید ۱۳ ساله اصناف  
 ناشر : انتشارات سرو دانا دزفول  
 مولف : غلامحسین سخاوت - ناصر ایرمی  
 ناظر : عبدالله فرحی  
 صفحه آرای : محمد پاک نژاد  
 نوبت چاپ : چاپ اول  
 شمارگان : ۳۰۰۰ جلد  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۴-۶۶-۸  
 قیمت : ۱۵۰۰۰۰ ریال

سرناسه ۱۳ ساله : شهید ۱۳ ساله اصناف - ۱۳۳۵  
 عنوان و نام پدیدار : شهید ۱۳ ساله اصناف : شهید محمدرضا محبوبی فر / مولف غلامحسین سخاوت، ناصر ایرمی، ناظر عبدالله فرحی  
 مشخصات نشر : دزفول : سرو دانا، ۱۳۷۷  
 مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص (در ۲ بخش ریمه)، عکس (بخشی رنگی)، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۴-۶۶-۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۹۴-۶۶-۸  
 وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 موضوع : محبوبی فر، محمدرضا، ۱۳۴۹ -  
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -  
 موضوع : Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Dezful  
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- دزفول -- خاطرات  
 موضوع : Iran-Iraq War -- 1980 - 1988 -- Dezful -- Personal narratives  
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- دزفول -- شهیدان  
 موضوع : Iran-Iraq War -- 1980 - 1988 -- Dezful -- Martyrs  
 موضوع : شهیدان -- بازماندگان -- خاطرات  
 موضوع : Martyrs -- Survival -- Diaries  
 شناسه افزوده : ایرمی، ناصر، ۱۳۴۴ -  
 شناسه افزوده : فرحی، عبدالله، ۱۳۶۱  
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ س۲۶ / د۴ ۱۶۱۰ DSR  
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲  
 شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۸۶۹۹۴

نشانی انتشارات: خوزستان - دزفول خیابان امام خمینی جنب حرم مطهر سبزقبا  
 تلفن : ۰۶۱۴۲۲۵۱۳۸۷ - ۰۹۱۲۰۸۴۱۰۵۰



# فهرست

|    |                                                             |
|----|-------------------------------------------------------------|
| ۸  | پیشگفتار                                                    |
| ۱۸ | مقدمه                                                       |
| ۱۸ | موقعیت جغرافیایی و اهمیت نظامی شهرستان دزفول                |
| ۲۲ | پشتیبان                                                     |
| ۴۳ | میل لوح زرین شهر نمونه مقاومت، به دزفول :                   |
| ۴۵ | چهارمین یاد ۱۳۶۶: اهدا لوح زرین شهر نمونه مقاومت (دزفول)    |
| ۴۷ | کینه‌ی رزمندگان دزفول                                       |
| ۵۰ | موشکباران شهرستان دزفول                                     |
| ۵۰ | شرح واقعه و بازتاب آن                                       |
| ۵۴ | تعداد پنج موشک فراق هم‌زمانی ساعت نیمه‌ی یاد- ۴ آبان ۵۹     |
| ۵۵ | حسینیته شهیدای خورشروانی                                    |
| ۵۸ | سخنان شهید رجایی، نخست وزیر ایران در سازمان ملل             |
| ۵۹ | پیام شهید رجایی، نخست وزیر ایران، به مردم قهرمان دزفول      |
| ۶۱ | دومین حمله موشکی به دزفول                                   |
| ۶۲ | بهانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم شهیدای موشکی - دزفول |
| ۶۳ | امام خمینی (ره): خوزستان و بالأخص دزفول روح مقاومت دار...   |
| ۶۳ | عیادت شهید آیت الله مدنی (ره) از مجروحین حمله موشکی دزفول   |
| ۶۴ | گزارش آسوشیتدپرس از حمله موشکی به دزفول                     |
| ۶۵ | سخنان نماینده امام در شورای عالی دفاع                       |
| ۶۵ | وزیر اقتصاد عراق: آبادان و دزفول در محاصره ارتش عراقند      |
| ۶۵ | رژه رزمندگان منطقه دزفول در شهر                             |
| ۶۶ | تجلیل شهید دکتر بهنستی از پایداری مردم خوزستان              |
| ۶۶ | دستگیری یک فرمانده آتشبار عراقی                             |
| ۶۷ | تلاش مجدد عراقی برای دستیابی به دزفول                       |

- ۶۷ • اسارت سیزده اسیر عراقی در غرب دزفول
- ۶۸ • تعداد پنج موشک فراگ هفت روسی ساعت نیم بامداد ۴ آبان ۱۳۵۹
- ۶۹ • آغاز فعالیت رادیو دزفول در شرایط جنگی
- ۷۰ • صاحب نظر امریکایی: راههای استراتژیک دزفول را باید قطع کرد.
- ۷۰ • گزارش نیویورک تایمز: دزفول از اهداف عمده عراق است
- ۷۱ • کمین سپاه دزفول در حوالی پاسگاه فکّه
- ۷۱ • صدام: بکوشید از راههای دزفول و ... بگذرید.
- ۷۱ • نامه مهم سپاه پاسداران خوزستان به بنی صدر
- ۷۲ • سرزنش بندهی امام در شورای عالی دفاع به دزفول و شوش
- ۷۳ • بازدید سفرای ۷۵ کشور جهان از مناطق مسکونی ویران شده
- ۷۳ • اهداف مراقب نگاه سرلشکر محسن رضایی
- ۷۴ • اخراج نظر ای سفر خارجی از جنایات صدام در شهرهای جنگزده
- ۷۵ • نامه مرده دزفول به کل سازمان ملل متحد
- ۷۸ • انهدام دستگاه رادیو صوت دشمن توسط سپاه دزفول
- ۷۸ • سردار رئوفی و عملیات ریزش آینه‌های دزفول
- ۸۰ • عبور بسیج عشایر دزفول از راه خانه کرخه
- ۸۱ • وضعیت شهر و جبهه شوش از نگاه خبرگزار پارس
- ۸۳ • تلویزیون بلژیک از دزفول چه پخش کرد؟

## ۸۵

## ● خاطرات

- ۸۵ • حسینیّه شهدای خوشروانی
- ۸۶ • سرهنگ حاج کاظم فرهنگ مهر
- ۹۰ • حسعلی صانعی فرد
- ۹۲ • بهرام صالحی
- ۹۴ • ابراهیم چراغ چشم
- ۹۵ • محمدحسن نعناکار
- ۹۸ • شهری در آسمان
- ۱۰۰ • بمب روحیه
- ۱۰۲ • آژیر قرمز
- ۱۰۳ • چهار شهید سوخته (تانکی شماره یک)

- زبیر زمین و سنگر ۱۰۶
- شهید حبیب اسدی ذاکر ۱۱۰
- محمّدعلی محبوبی فر ۱۱۲

۱۱۴

## ● بمباران شهرستان دزفول

- شرح واقعه و تقارن آن ۱۱۴
- جوانان «فهمیده» شیفه شهادت دزفولی برای عبور از میدان مین ۱۱۴
- شرح واقعه ۱۱۷
- خاموشی از امام جعفر صادق علیه السلام (رجب کمری) درباره این واقعه ۱۲۰
- خبر آمدن خبری در راه است. ۱۲۲
- خاطره‌ای از امام جعفر صادق علیه السلام ۱۲۵

۱۳۰

## ● زندگی نامتو شهید محمّد رضا محبوبی فر

- چهارم آبان ماه ۱۳۵۹ ۱۳۶

۱۳۷

## ● خاطرات

- حاج رضا محبوبی فر ۱۳۷
- نگاهی به زندگی پدر شهید، حاج رضا محبوبی فر ۱۳۹
- گوهر تازه عصاره، مادر شهید ۱۴۲
- حبیب محبوبی فر، برادر شهید ۱۴۴
- محمّدعلی محبوبی فر، برادر شهید ۱۴۵
- عظیم محبوبی فر، برادر شهید ۱۴۷
- فاطمه محبوبی فر، خواهر شهید ۱۴۹
- مردسازان آینده، مدرسه دخترانه سمیه ۱۵۰
- الهام محبوبی فر، خواهر شهید ۱۵۲
- استاد غلام شیخزاده، تعمیرکار دوچرخه و استاد شهید ۱۵۳
- یوسفعلی قصاب توفیقی، دوست و همکلاسی شهید ۱۵۵
- مهدی قاری، دوست و هم کلاسی شهید ۱۵۶
- علی پژمان، استادکار تعمیرگاه دوچرخه ۱۵۷
- یک سؤال بی پاسخ ۱۵۹

## ● پیشگفتار

تقدیم به شهرم که غرض هیچ توپ و موشکی نتوانست قامت استوارش را خم کند به او که آژیرهای قرمز مرگ نتوانستند اراده و ایمانش را بلرزانند. به او که داغ یک آه را به دل دشمن گذاشت. به دزفول قهرمان

اینجا در فرل است شهر مردان و زنانی که با سرهای ترس و بی باک خویش حصار از ایمان و اراده و تصمیم ساختند و از روی اسفا و فتح سه روزه دزفول و خوزستان توسط صدامیان را به گویان همیشه تاریخ سپردند و معادلات و نقشه ابرقدرت را به هم ریختند. دزفول یادآور حماسه‌ها و رشادتهای مردم مقاوم آن است.

حافظه تاریخی ملت ایران اینجا زرنی از این شهر را در خود دارد که به آن می‌بالد. روزگاری تاریخ شدیدترین درگیریهایش را به اینجا کشانده بود. بشریت معاصر با چشم‌های از حدقه بیرون زده تمام حماسه و غرور انسانی را مرور می‌کرد. در همین دیار بود که درس آزادگی و سرافرازی به نسل‌هایی آموخته شد که در زیر سایه استقامت و پایداری آنها می‌آیند و می‌روند. به همین دلیل بود که شهر مقاومت و شهر موشک‌ها و شهر نمونه‌ی ایران لقب گرفت. روزگاری که ستونهای شهر زیر

هجوم موشک‌ها و توپ‌ها می‌لرزید و دیوارها و خانه‌ها فرو می‌ریخت و آسمان، جهنمی از آتش و ترکش و دود در خود داشت و هنگامی که سایه‌های مرگ تمام وسعت شهر را پوشانده بود و بوی باروت و خون فضای شهر را پر می‌کرد، مردان و زنان و کودکانی را می‌یافتی که میخ‌شانی از دلهره و ترس نداشتند. و شهادت را در لحظه انقضای زندگی همراهی می‌کردند و با لبخندهایی از جنس آسمان، شک و غرور انسانی را به نمایش می‌گذاشتند.

چه کسی، خانه خاطره‌میرد و مراد شهر، حضرت آیت‌الله سید محمدالدیر قاضی دزفولی را فراموش می‌کند؛ هم او که خاک پای رزمندگان اسلام را سرمه‌ی چشم‌هایش می‌کرد؟ چه کسی، شکه شهادت فرزندان شهر را در گردان‌های همیشه پیروز بالا، و بار و یاسر فراموش می‌کند؟

چه کسی حضور جاودانه و سربوشت‌ساز ۱۶۰۰۰ داوطلب بسیجی مردان بی‌ادعا و بی‌نام، شانه دزفول را در روزهای نخست جنگ در حمله‌ی مژوران، در مساجد و جبهه‌ی کرخه و دشت عباس فراموش می‌کند؟

چه کسی روزهای آفرینش بزرگترین پیروزی مردم شهر را در لحظه لحظه عملیات فتح‌المبین فراموش می‌کند؟

چه کسی صدای نامحرم رادیو عراق را در طول سال‌های دفاع مقدس - آنجا که می‌گفت کشور بزرگ عراق ظرف ۲۴ ساعت آینده اهداف تعیین شده شهرهای زیر را مورد هدف حملات موشکی های دوربرد خود قرار میدهد؛ الف



دزفول، ب تهران، ج اصفهان - فراموش می کند؟

چه کسی حماسه ایشار و فداکاری پدر شهید غلامحسین سبزه‌علی را که در هنگام موشکباران خودش را سپر فرزند چهل روزه‌اش قرار داد و خود را روی گهواره انداخت و تاج گهواره به قلبش نشست و اصابت موشک شش نفر از خانواده‌اش را شهید کرد و تنها فرزند ۴۰ روزه زنده ماند، را فراموش می کند؟

چه کسی حماسه مادر شهیده هایده پیرمند آنجا که دو فرزندش ندا و فروغ را روی سینه چسباند تا آسیب نبینند و پس از برداشتن خروارها گل و لای پیدا شدند در حالی که سینه‌های مادر در دهان آنها بود و هر سه شهید شده بودند، را فراموش می کند؟

چه کسی حماسه خانواده شهید محمدحسین تمدن را فراموش می کند که در نوبت با دو موشک دو نرگس تقدیم انقلاب کردند؟

چه کسی مقاومت و صبر خانواده عبدالکریم درخشانی را فراموش می کند که اولین موشک و دومین موشک و سومین بمباران خانه‌شان را ویران کرد ولی شهر را تخلیه نکردند و به بازسازی خانه و آیندگی روغن امید بستند، را فراموش می کند؟

چه کسی حماسه حضور بیست و سه شهید خانواده‌ی آریانه‌پور را که در جشن تولد کودکی خردسال جمع شده بودند و اصابت موشک همه را جاودانه کرد، فراموش خواهد کرد؟



چه کسی حماسه شهادت سیزده نوجوان بسیج مسجد نجفیه را که امام لقب رهبر به آنها داد و با شعار الله اکبر به دیدار معشوق شتافتند، فراموش خواهد کرد؟

چه کسی سخن تاریخی حضرت امام خمینی (ره) را فراموش می‌کند که فرمود: شما دزفولی‌ها امتحان دادید و خراب از این امتحان بیرون آمدید.

چه کسی می‌تواند بمباران مدرسه بامدادان و شهادت کودکان معصوم و شهادت معلم حسن درآنی را فراموش کند؟

چه کسی می‌تواند موشکباران مدرسه‌ی دخترانه‌ی سمیه را فراموش کند؟

چه کسی دسته‌ی ارتش جدا شده‌ی هنرمند خطاط محمدرضا پورانیان را فراموش می‌کند؟

چه کسی پاهای قطع شده از زانوی دکتر مصطفی شکوهنده را فراموش می‌کند؟

چه کسی فراموش می‌کند تصویر پاری که بر فراز تلی از خاک می‌گفت شما را به خدا و فرزندم! از زیر آوار نجات دهید.

چه کسی فراموش می‌کند یاد زنی را که در لای لای در و دیوار و تیرآهن جان می‌داد اما تنها به فکر حبشش بود؟

چه کسی فراموش می‌کند یاد زنی را که با زبان روزه در هنگام افطار با موشک در محله‌ی خمیه‌گاه مدفون شد و وقتی او را از زیر خروارها گل و لای درآوردند فقط در فکر

حجابش بود و اجازه نداد نامحرم او را حمل کند تا در همان محل جان داد.

چه کسی فراموش می‌کند پاهای قطع‌شدهٔ دکتر محمد شهریارفر جانباز ۷۰٪ سرافراز مسجد نجفیه را؟... هنوز بسیاری از ناگفته‌های حملات موشکی مانده است؛ موشک‌های بی‌رحمی که با شقاوت تمام آرامش نیمه‌شب را از مردم مظلوم می‌گرفت؛ موشک‌هایی که خانه‌های ویران، گل‌دسته‌هایی شکسته و دود و آتش و غبار بر جای می‌گذاشت، و پیکرهای پاره‌پاره، دست‌های از تن جدا و پاهای قطع شده به ارمغان می‌آورد.

چه کسی سینه‌های دلخراش کودکانی در قنடை، شیشه‌های دربه و غبارگرفتهٔ شیر در کنارشان و صحنه‌های دردناک بمباران و سهادت رهگذران را فراموش می‌کند؟

چه کسی فراموش می‌کند رزندگان که تازه از جبهه برگشته و در آغوش پدر از زیر باران‌ها خاک بیرون آورده شدند؛ آری حسن بویزه را می‌گویم، جمال قانع، حسن اسدمسجدی، غلامعلی جودکی، عبدالحمید خلف‌نوره و ... همه و همه ناگفته‌هایی است که دل را به آتش می‌کشد. نمی‌دانم به چه گناهی ساکنان خانه‌ها باید به طرور یک‌جا زنده به‌گور می‌شدند؟!

به چه گناهی باید مردم از خانه هایشان دربه‌در می‌شدند؟!

به چه گناهی باید در اولین شب زفاف عروس و دامادی

باید پیکرش تشییع می‌شد؟!

به چه گناهی باید دو نوعروس در محله‌ی چولی‌ان به جای رفتن به خانه بخت با شلیک موشک به زیر خاک می‌رفتند (شهناز سازش و فاطمه ملک پورزارع)؟!

باید گفت و نوشت همت بلند مردم این شهر تا آنجا بود که هم در زیر آتش سنگین توپخانه و موشک‌های ۱۲ متری و بمبارانهای هوایی استقامت می‌کردند و شهر می‌دادند، هم خط‌شکن جبهه‌های نبرد بودند و شهید می‌دادند، هم فرزندان‌شان را برای رفتن به جبهه بدرقه و آماده می‌کردند، هم رزمندگان اعزامی سراسر کشور را با آغوش می‌پذیرفتند، هم با حضورشان در شهر روحیه‌ی سلحشوران بسیجی و پاسدار و ارتش را تقویت می‌کردند، و هم شوش به فرمان امام‌شان بودند. امروز کمتر خانه‌ای وجود دارد که شهیدی نداده است، کمتر خانه‌ای یافت می‌شود که آسیب ندیده باشد.

نسل امروز انقلاب از ما سؤال می‌کند: دفاعی‌ها برای چه هدفی انفجار موشک‌های ۱۲ متری را در نیمه‌های شب تحمل می‌کردند؟

با چه انگیزه‌ای شعار صبر و مقاومت و استقامت و پایداری سر می‌دادند؟

به چه بهانه‌ای در هجوم ۱۸۷ موشک خفاشان شب‌پرست و حملات توپخانه‌ای و بمباران‌های هوایی، سروقامت و راست قامت و استوار می‌ایستادند؟ آیا چیزی جز عمل به آیه و استقامت کما امرت، و عمل به دستور

خدا به پیامبرش (ص) یعنی ایستادگی و مقاومت در مقابل زورگویان و متجاوزان و دفاع از حریم دین و ایمان و کشورمان در سایه ولایت در ذهنشان بود، آیا جز برای ادای تکلیف الهی و حفظ اسلام گام برمی داشتند؟

آیا جز برای مایوس کردن دشمنان از تجاوز به حریم کشور عزیزمان دنبال چیزی بودند؟

باید گفت تا جوانان امروز بدانند پدرانشان برای حفظ این مرز و بوم چه ایثاری از خود نشان دادند و باید نوشت تا دلاوری و دلیری و همت و از خودگذشتگی زنان مردان، جوانان و نوجوانان و کودکان و پیران این پیروزمندان حربه و ایثار در جنگ خون با شمشیر و جنگ تن با تن و تن با موشک و بمب و راکت و جنگ نابرابر مظلومانه شهری فراهم شود.

آنچه در پیش رو دارید خاطرات موشکباران شهر مقاوم و نمونه‌ی دزفول است که هر چند اندک ولی قصه‌ی مظلومیت و استقامت شهری استوار و غیث است، و نیمه‌ی پنهان شب‌های تنهایی و ناگفته‌های ۸ سال دفاع مقدس به شهری که هزاران توپ دوربرد به آسمان هوایی و ۱۸۷ موشک ۱۲ متری دشمن در گوشه‌گوشه‌ی آن فرود آمد؛ اما حماسه‌ای سرشار از قهرمانی آفرید.

دزفول دین خود را به اسلام عزیز ادا کرد و سرت تسلیم را در دل صدامیان باقی گذاشت دزفول در پایان جنگ مهبط ملائکه الله نام گرفت و مفتخر به دریافت لوح مقدس و زرین شهر نمونه‌ی مقاومت ایران شد.

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۴ این شهر را به پاس حماسه و مقاومت‌ها و رشادت‌هایش به‌عنوان شهر نمونه برگزید.

فرزندان این نسل پرتوان تا همیشه تاریخ حماسه شهادت‌ها و مقاومت‌های پدران خود را جشن می‌گیرند و بر تاریخ حماسی خود افتخار می‌نمایند.

بی‌شک مردم ایران و رزمندگان سلحشور این کشور هیچ‌گاه نام دزفول و مردم ولایت‌مدار و شهیدپرور این شهر را فراموش نخواهند کرد. نوشتاری که در پیش رو دارید تلاشی است در جهت هویدا کردن گوشه‌هایی از ایثارگری‌ها، رشادت‌ها، حماسه‌های کم‌نظیر مردم سلحشور شهر دزفول، سه‌بر طول هشت سال دفاع مقدس از خود بروز دادند. حماسه‌ها، تکان دهنده‌ای که در طول دوران بعد از جنگ یا هیچ‌گاه بازگو نگردید و یا در شأن این مردم فهیم و مقاوم به‌نگاشتن در نیامده است. پرواضح است که ما هم ادعایی مبنی بر ادا نمودن حق واقعی این مردم مظلوم نکرده و نخواهیم کرد و سعی ما فقط و فقط شفاف کردن گوشه‌هایی از این رادردم‌ها و استقامت مردم شهر عزیزمان دزفول و بلدالصواریج است. شهری که داغ همیشگی تاریخ را بر قلب خونخوار ریز

و شرورترین دیکتاتور قرن حاضر، «صدام حسین» رئیس جمهور تحمیلی و سفاک عراق گذاشتند، و با مقاومت و از جان گذشتگی کم‌نظیر خود حسرت ترک شهر و دیار را بر جان او ماندگار نمودند. آری این دزفول است، شهر



شهیدان، شهر عاشقان دلباخته‌ای که با توکل بر خدا و استعانت از ائمه معصومین (ع)، مقتدا و رهبر خود، خمینی کبیر(ره) را در سخت‌ترین شرایط جنگی و موشک‌باران‌ها و به خاک و خون کشیده شدن صدها نفر از زنان و مردان و اطفال بی‌دفاع یاری می‌کردند و با بانک تکبیرهایشان جنازه‌های عزیزان خود را از زیر خوارها خاک و گل و سنگ بیرون کشیده و با حفظ روحیه‌ی خود، روال عادی شهر را پیش گرفته، همزمان جوانان برومند خود را راهی جبهه‌های حق علیه باطل می‌کردند. شهری که هم جبهه‌ها بوده، هم پشتیبان جبهه، شهری که خانواده‌هایش اماج‌های کبیر، ریزن موشک‌ها و بمب‌های مخرب دشمن بود و فرزندان و جوانان برومندش در خط مقدم جبهه‌ها حماسه‌های بی‌نظیر می‌فریدند.

چه کسی می‌تواند این رویدادهای عظیم را به فراموشی سپارد؟

اگر خرمشهر عزیز با مقاومت در مردان و شیرزنان راه حق، بعد از سی و چند روز حمایه‌های خونین، سرانجام سقوط کرد و داغی جانگداز بر جان مسلمانین دلسوخته‌ی اسلام و انقلاب گذاشت، اما مترسک بر دزفول و در طول جنگ تحمیلی عراق، محدود به زنان خاصی نبود و تا دقایق پایانی جنگ، این افتخار برای مردمانش ماندنی شد.

در مدت زمانی که به پای صحبت‌های گرم و صمیمی خانواده‌های محترم شهدا، جانبازان، ایثارگران،

آسیب دیدگان و اقشار مختلف مردم، اعم از کارگر، کارمند، کاسب، محصل، بسیجی، نظامی، دکتر، مسئولان و فرماندهان و غیره نشسته بودیم، گاه همراه با آنها بغضمان می‌ترکید و گریه امانمان نمی‌داد و گاه لبخند شوق بر لب‌های ما جاری می‌گشت و گاه در خلق ایثارگری‌های شگرف هم بهریان عزیزمان در ایام دفاع مقدس، انگشت حیرت بر دهان می‌گرفتیم. این مجموعه گرچه گوشه‌هایی از حماسه‌های مردم دزفول را گرد آورده است، اما در مقابل حماسه‌های عزیز این شهر شروعی است برای کارهای بهتر و کامل‌تر. لذا با تمام وجود اعتراف می‌کنیم که این تلاش‌ها و این علم‌ها، شکسته توان نگارش عظمت و پامردی دزفولی‌ها را نشان داده و به هیچ طریق نمی‌توانیم حق مطلب را درباره‌ی این شرفاونه و پایتخت مقاومت ایران ادا نماییم.

در پایان از تمام کسانی که در فراهم کردن این نوشتار ما را یاری کرده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را نموده، استدعا داریم عزیزان اهل قلم، اساتید، اندیشمندان محترم، ضمن عفو نارسایی‌های ناخواسته این اثر، ما را از پیشنهادات و نظریات خود محروم نفرمایند.

والسلام

غلامحسین سخاوت و ناصر ایرمی